

روز پدر!

روز مادر، روز پدر، روز کودک روز درد
روز ما در تاریکی و انتظاریم روز مرگ

بانیت نیک مخلصانه، ابراز نظر دوستانه، سلام برادرانه
به شما پدران نا روز دیده سر زمین خاک و خاکستر که
در قرن ۲۱ میلادی به امر استعمار و لزوم دید ارتجاع
منطقه با روش اخلاقی قرون ابتدایی زندگی تعمیلی را
در حال گذرا می باشید. روز پدر را به تمام پدران دنیا
مبارک باد می گویم. امید وارم تن آسوده و دل بی غم
داشته باشید.

تا زنده ام یاد پدر را ضرور کنم
با احترام بهر پدر روز گرفته ایم

از خداوند جهان تمنا دارم تا در طول عمر و عرض
زندگانی قلبهای تان شادی موج زند و گوشهای تان

عاری از نغمه های غم انگیز باشد. چشمان تان به تابوت
فرزندان تان خیره نگردد. فرزندان تان به داد و اویلای
فریاد شما رسیدگی کرده بتوانند و مرحم گذار دلهای
ریش تان گردیده باشند. فقر و تنگدستی مقام پدری
تان را متزلزل نکرده و از اهمیت پدری تان نه کاسته
باشد. زندگی با عزت را دنبال داشته باشید. پدران و
مادران خوب می دانند که تربیه اولاد سخت تر از فتح
یک کشور است. با وجودیکه نا خود آگاه پیرو اراده
معطوف به حیات گردیده ایم.

پدری که در غرب زندگی می کند امروز و فردایش در
تفاوت های کیفی قرار دارد. اما پدری که در جهان عقب
مانده مانند افغانستان حیات به سر می برد روز های
شان یکسان سپری می گردد. از جمله ۳۶۵ روز یک روز
را به نام پدر، یک روز را به نام مادر، یک روز را به نام
زن، یک روز را به نام کودک انتخاب نموده اند. انسانها
در این روز مخصوص با هم خوشی کرده از موجودیت
خویش در روی زمین شکران نموده جشن می گیرند.

با وجودیکه تجلیل این روز ها با دین تضاد ندارد اما
دینداران حرفه وی (ملا) تجلیل این روز ها را مباح

می دانند. در حالیکه در امر نهیه آن در قران و احادیث چیزی گفته نشده است. اما جهالت و عقب ماندگی بشر مانع احترام به حقوق خودش می گردد. فرهنگ و تمدن اسلامی از قرن ۹ میلادی توسط نوایغ با پالنده گی آغاز و در قرن ۱۶ میلادی از سرعتش کاسته می شود. این جاست که فرهنگ کشور های اسلامی با تمدن غرب ناسازگار و حتا در تضاد قرار می گیرد. در حالیکه ما در قرن ۲۱ قرار داریم اما در ماهیت قانون قرون اولیه بالای ما جاریست. برای ما ایجاب می کند که از روز های نام نهاد فوق الذکر با در نظر داشت مناسبات فرهنگی و اقتصادی خود را آماده تجلیل نمایم.

سوال این جاست که ایا افغانها با ماهیت روز های فوق خود را عیار بسازند و یا تقلید کنند؟ بلی راست گفته اند که تقلید خود کُشیست. در حالیکه غرور، تکبر، نفرت، فقر و بدفرهنگی در وجود ما موج می زند اما کور کورانه از فرهنگ غربی ها طوطی وار تقلید و تمثیل می نمایم. جا دارد که بگویم افغانها در تقلید مقام اول را دارند.

برای اینکه استعمار برنامه های خود را خوبتر تطبیق

بتواند کشور ما را در جمله عقب مانده ترین سرزمین های دنیا نگهداری نموده تا برای تامین منافع خویش مزدور گیری بدون هزینه را داشته باشند جبر است که از نعمت تمدن ها محروم بمانیم. ما نخست از همه به اسارت خود تفکر داشته باشیم. روز های درد را به روز های فهم و دانش مبدل نموده با وجودیکه جایگاه پدر، مادر و کودک مقام ارزشمند فطری به شمار می رود.

ملتی که حق تعیین زمامدار خود را نداشته باشند و قدرت های جهانی به نوبت طبق منافع و اهداف خود برای شان زمامدار دیوانه، وزیر معیوب و دزد را لازم ببینند. و طبق تشکیلات استعماری امام خایین، رهنمای جاهل، سیاست مدار نادان، قاضی مفسد برای شان تعمیل گردد آینده پدران، مادران، کودکان به چه مصیبت های ناگوار انجام خواهد یافت. اگر هیولای اشباح نوروز را حرام و علم را مباح بدانند مجوریم از روز پدر، روز مادر، روز کودک دزدانه تجلیل نمایم.

جای تاسف و اندوه است که کشور در قبضه استعمار قرار گرفته برای ملت اسیر، روز بی اعتمادی، روز شک تردید، روز بی ایمانی، روز خیانت، روز دروغ، روز بد

اخلاقی، روز حق تلفی، روز نادانی، روز فساد و روز
جهالت را ترویج نموده اند. از این روز های گران قیمت
به طور وافر در کشور با اشتیاق تجلیل به عمل می آید.
ما که محصور به زندانیم جلابان دین با تبانی استعمار
جهانی بی باکانه ما را در بازار آزاد به نرخ سرگین مورد
خرید و فروش قرار داده از این روز ها هم باید تجلیل
داشته باشیم؟

شهری که در بین مردمش گفتار بد جنایت و عمل بد
مباح حساب گردد. هم وطن خود را به خاطر منافع
استعمار تیر باران نمایند، وطن خود را در مقابل پول و
قدرت به معامله بگیرند، دانشمندان خود را به دستور
ملاهای اجنبی اعدام و فرار دهند، نادانی و حماقت تا
مغز استخوان شان نفوذ کرده باشد. وطن فروشی را
جز افتخارات خویش بدانند عزت و احترام انسان ها را
به نرخ گاه در بازار آدمگری خریدار نباشند. از زاد روز
تولد خودش، پدرش، مادرش و کودکش به کدام روی
تجلیل و خوشی کرده می توانند؟

پرسشگر: در کشوری که در دل های مردمش غم می
جوشد، از چشمان جوانانش خون روان است، توت های

وجود شهروندانش در جاده ها باد می گردد، مردمش به
خاطر یک لقمه نان اولاد خود را می فروشند، بازار
گرده فروشان روز تاروز گرمتر شده می رود، نسل کشی
و قوم کشی اصالت حاکمیت باشد، آیا ما حق داریم که
از روز کودک، روز مادر، روز پدر، و غیره روز های
تشریفاتی که در فرهنگ انسان تسجیل و نام گذاری
گردیده است تجلیل نمایم؟

آیا ما حق داریم روز کودک را به کودکانی که هر روز
اجساد بی جان آغشته به خون پدران شان را که نان
آور فامیل های شان بوده تسلیم می گردند. تبریک
بگوییم؟

آیا به کودکانی که در سرزمین گرگان آدم چهره در فقر
و تنگدستی در بدترین شرایط مرگبار دست گدایی دراز
کرده با گلوی غم بار صدا می زنند کاکا جان خیرات
بتی ماما جان خیرات بتی. او مردم خیرات بتی، تبریک
بگوییم؟

آیا به کودکانی که بنابر محرومیت های زندگی در بد
ترین حالت فقر، تنگدستی و مکتب ستیزی حاکمان

مزدور از تدریس علم و دانش دور شده اند، در کوچه
های بی انصافی شهر، اسپندی، موتر شوی، پاکت
فروشی و بوت پالش اند، تبریک بگویم؟

آیا به کودکانی که باشکم گرسنه در چهاراهی های شهر
با دستمال شیشه موترها را پاک و صافی می کنند و از
طرف موترداران باخشونت و دشنام پذیرایی می گردند
تبریک بگویم؟

آیا به کودکانی که برای خواندن و یاد گرفتن سبق دینی
و شناخت حروف الفبای زندگی و کسب علم به مدرسه
ها و مساجد توسط ملاها مورد تجاوز جنسی قرار می
گیرند، تبریک بگویم؟

آیا به کودکانی که برای ادامه حیات و پیدا کردن یک
لقمه نان به شانه های شان سلاح داده می شود و در
صفوف جنگجویان جهادی، طالبی و داعشی جذب می
گردند و هم چنان مورد استفاده جنسی و ابزاری قرار
می گیرند، تبریک بگویم؟

آیا به کودکانی که توسط مافیای مواد مخدر ربوده

شده با وحشی ترین ظلم کشته می شوند در بطن جسد
بی جانیشان مواد مخدره را جابجا نموده قاچاق می
کنند، تبریک بگویم؟

ایا ما حق داریم که به کودکان محروم از مکتب،
محروم از غذا و بیچاره خویش روز کودک را تبریک
بگویم ؟

آیا پدرانی که بالبان خشک شکم گرسنه از بام تا شام
منتظر پیدا کردن یک لقمه نان برای اولاد های شان در
جاده های شهر چشم به راه می نیشند و شام با تن
افسرده دست خالی به خانه بر می گردند. بالای دستر
خوان با خجالتی به روی فامیلش می نگرند که وجیبه
پدری خود را نتوانسته ادا کند. روز شان را تبریک
بگویم؟

آیا به مادرانی که از بیکسی در جاده ها شهر دست به
گدایی و کار های شاقه با هزار نا امیدی مصروف اند
روز شان را تبریکی بگویم؟

آیا به زنانیکه از تمام حقوق انسانی شان محروم در

جاده های شهر با شلاق امر بالمعروف تن افسرده شان
داغدار و مورد خشونت قرار می گیرند روز شان را
تبریکی بگویم؟

پس در این صورت بیایم نخست به خاطر بدست
آوردن روز انسانیت مبارزه کنیم پنجه های شریر مفتی
های مزدور را از گلوی خود بشکنیم با مشت به دهن
استعمار بکوبیم روز آزادی را به تجلیل بگیریم.

امید وارم سلیقه دوستان نازنینم را مخدوش نکرده
باشم. که با چنین جملات درد ناک و بی باک آنها را
مخاطب شده ام. تاچه وقت باچشمان بسته، عقل کور
به دستور استعمار مانند حیوانات تجربوی عمل نمایم.
یا هو

الحاج دوکتور نذیر احمد "هایل"
(۱۴۰۰/۸/۸)



کودکی که به خاطر یادگیری احکام دینی توسط
ملای مسجد مورد مجازات قرار گرفته اند.



کودکی به خاطر سیر کردن شکم خویش اشک می ریزد.
پدرش در انتحار کشته شده و مادرش دست به گدایی
زده در بدترین شرایط روزگار قرار دارند.



کودکی که به اجبار نان آور خانواده های شان شده اند.
ایا چه آینده را در پیش خواهد داشت.



کودکی که از یادگیری سواد محروم شده با سخت ترین
خشونت قرار گرفته است.

